تحلیل سرمایه اجتماعی بهره برداران مرتع در راستای مدیریت اجتماع محور سرزمین (منطقه مورد مطالعه: شهرستان ریگان، استان کرمان)

مهدی قربانی*[۱]، لیلا عوض‌پور[۲] و مرضیه سیرمی‌راد[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۲۳ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۳/۳۰

چکیده

رویکرد مدیریت اجتماع محور از جمله رویکردهایی است که اهمیت فزاینده‌ای در فراگرد مدیریت سرزمین دارد که در آن افراد محلی در تمامی مراحل برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های مدیریتی سرزمین، فعالانه مشارکت می‌کنند و در مرکز تصمیم‌گیری‌ها قرار دارند. با توجه به اینکه رویکرد اجتماع محور تأثیر به‌سزایی بر ارتقاء سرمایه اجتماعی دارد، در این تحقیق سعی بر آن است تا سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در بین بهره‌برداران مرتع در روستای رستم‌آباد علی چارک از توابع شهرستان ریگان استان کرمان که تحت پوشش پروژه مدیریت اجتماع محور RFLDL قرار دارد، در دو بازه زمانی قبل و بعد از اجرای پروژه مذکور مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. این کار با استفاده از روش تحلیل شبکه اجتماعی، تکمیل پرسشنامه تحلیل شبکه‌ای، سنجش پیوندهای اعتماد و مشارکت و با استفاده از شاخص‌های سطح کلان شبکه (تراکم، دوسویگی پیوندها، انتقال‌یافتگی و فاصله ژئودزیک) صورت گرفته است. نتایج به‌دست آمده، بیانگر میزان متوسط شاخص‌ها در مرحله قبل از اجرا و روند مثبت و صعودی این شاخص‌ها به دنبال اجرای پروژه RFLDL است. بنابراین اجرای پروژه منجر به اعتمادسازی و تقویت روحیه مشارکت و همکاری در بین سرگروه‌ها و یا به نوعی سرمایه اجتماعی برون‌گروهی شده است که این امر اثربخشی مطلوب رویکرد اجتماع محور مدیریت سرزمین در راستای افزایش سرمایه اجتماعی برون گروهی بهره‌برداران مرتع را مورد تاکید قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، بهره‌برداران مرتع، مدیریت اجتماع محور، پروژه بین المللی RFLDL، شهرستان ریگان.

[۱]- دانشیار دانشگاه تهران

*: نویسنده مسئول: mehghorbani@ut.ac.ir

[۲]- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس

[۳]- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.4.3.6]

مقدمه

در تغییر و تکامل دیدگاه نسبت به مدیریت سرزمین، نگاه دولت گرا و تمرکزگرا که سعی دارد به تدوین و پیاده سازی راهبردها از بالا به پایین اقدام کند، جای خود را به نگاه اجتماع محور و متکی بر جلب مشارکت های مردمی و اجتماعی داده است (۴). رویکرد از بالا به پایین ضمن اینکه در خود هزینه‌های زیادی را به دولت و جامعه تحمیل می‌کند از اثربخشی کافی نیز برخوردار نیست لذا باید برنامه‌ریزی متمرکز برای مقابله با این مدیریت ناخردانه، نیز به‌طور جدی در دستور کار قرار گیرد (۲۴). در رویکرد اجتماع محور، جوامع محلی به‌عنوان جوامعی که توانایی عمل و مشارکت دارند در نظر گرفته می‌شوند نه جوامعی ناتوان که باید به آنها کمک کرد. از این رو، این رویکرد از همکاری اجتماعی محلی و مشارکت محلی در فرآیند مدیریت سرزمین استقبال می‌کند (۶). در واقع رویکرد اجتماع محور رویکردی در پیشگیری است که در آن به نقش عوامل محیطی و اجتماعی در ارتقاء " کیفیت زندگی" و " رفاه اجتماعی" مردم توجه می‌شود. مدیریت اجتماع محور رویکردی مبتنی بر توسعه است که هدف آن در بلندمدت ارتقاء فرآیند توسعه است و به‌صورت بالقوه بر توانمندسازی مشارکتی و ایجاد ساختارهایی با قابلیت انتقال تفکرات و مطالبات از پایین به بالا بنا شده است (۳۱). این رویکرد به‌دلیل ماهیت مشارکتی خود در مقایسه با سایر روش‌ها اثرات توانمندسازی بیشتری دارد (۱)، که این توانمندی در سایه ظرفیت‌سازی در افراد ایجاد می‌گردد. بنابراین انتظار می‌رود که به کارگیری این رویکرد در نهایت منجر به اصلاح ساختاری اجتماع، توانمندی افراد برای حل مسائل اجتماعی و کاهش طرد اجتماعی گردد (۲۵). در این راستا سرمایه اجتماعی یکی از ارکان اساسی در توانمندسازی اجتماعی جوامع محلی (۱۷) و یکی از مهم‌ترین مفاهیم جامعه شناختی در مدیریت مشارکتی سرزمین محسوب می‌شود (۳۰) و به‌عنوان یک عامل کلیدی در فرایند مدیریت اجتماع محور منابع طبیعی به کار می رود. نکته مهم در رویکرد اجتماع محور تاکید بر سرمایه اجتماعی[1] و ابعاد اعتماد[2]و مشارکت[3] در بین ذینفعان محلی به عنوان بازوی اصلی مدیریت اجتماع محور یا مشارکتی منابع طبیعی است. مفهوم سرمایه اجتماعی را به‌طور کلی می‌توان به صورت منابعی تعریف کرد که میراث روابط اجتماعی‌اند و کنش جمعی را تسهیل می‌کنند. این منابع که از طریق اجتماعی شدن حاصل می‌شوند و در برگیرنده اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی از پیوندهای اجتماعی‌اند، موجب گرد آمدن افراد به‌صورتی منسجم و با ثبات در داخل گروه به‌منظور تأمین هدفی مشترک گردیده، و همکاری کنشگران برای نیل به سود متقابل را تسهیل می‌کنند (۳۰). سرمایه اجتماعی برون گروهی یا پل‌زن به گرد هم آوردن مردم از بخش‌های مختلف اجتماعی تمایل دارد و برای اتصال به دارایی های خارجی و نشر اطلاعات مناسب است. فقدان پیوندهای برون گروهی می‌تواند موجب شکل‌گیری انزوا و طرد اجتماعی برای گروه‌های فقیر و محروم شود. سرمایه اجتماعی، فرهنگ اعتماد و مداراست که در درون آن شبکه‌های گسترده انجمن‌های داوطلبانه پدید می‌آید. اعتماد که اولین جزء سرمایه اجتماعی است، به نوع ارتباط بین افراد مربوط می‌شود (۲۵) و در واقع یک معیار کلیدی و اساسی برای شروع مدیریت مشارکتی در بین کلیه کنشگران درگیر در فرآیند مدیریت اجتماع محور، توسعه اعتماد و روابط متقابل بین آن‌ها می‌باشد (۷). اعتماد راهبردی است که افراد را قادر می‌سازد تا خود را با محیط اجتماعی پیچیده وفق دهند و بدین‌وسیله از فرصت‌های فزاینده سود ببرند (۹). مشارکت که از دیگر مولفه‌های سرمایه اجتماعی است، به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن است (۲۶). مشارکت حضور، دخالت آگاهانه، داوطلبانه، خلاق و متعهدانه افراد و درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص و اقشارمختلف جامعه در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های مختلف سازمان‌ها، تشکیلات حرفه‌ای و محلی اجتماع یا منطقه خود از یک‌سو، حضور و همسویی با ایده‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، فعالیت‌ها و اهداف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه از سوی دیگر است (۲).

[1] -Social capital
[2] -Trust
[3] -Collaboration

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.4.3.6]

با توجه به اهمیت رویکرد اجتماع محور در ارتقاء سرمایه اجتماعی، در این تحقیق به بررسی روابط اعتماد و مشارکت، از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی در بین ذینفعان منابع طبیعی یا سرگروه‌های کمیته‌های خرد توسعه روستای رستم‌آباد علی چارک پرداخته شده است. در راستای اهمیت مولفه‌های اجتماعی از جمله سرمایه اجتماعی در سال‌های اخیر، رویکرد تحلیل شبکه اجتماعی در ارزیابی این سرمایه به کار گرفته شده است. در این راستا سعی بر آن است تا سنجش سرمایه اجتماعی برون گروهی از طریق روش تحلیل شبکه‌ای پیوندهای اعتماد و مشارکت در بین سرگروه‌ها، در مرحله قبل و بعد از اجرای پروژه مدیریت اجتماع محور RFLDL مورد بررسی قرار گیرد.

مواد و روش‌ها

معرفی منطقه مورد مطالعه

شهرستان ریگان با وسعتی حدود ۸۵۸۴۰۰ هکتار در جنوب شرقی استان کرمان واقع شده است و تحت پوشش پروژه بین المللی RFLDL می باشد. شهرستان ریگان دارای دو بخش مرکزی و گنبکی بوده که شامل یک مرکز شهری، دو بخش، چهار دهستان و ۲۶۲ روستا با مجموع جمعیت ۶۶۳۲۵ نفر می‌باشد. در اکثر ایام سال هجوم شن‌های روان خانه، مزارع، باغات و جاده‌های شهرستان را مورد تهدید و نابودی قرار دهد و تعدادی از مردم روستایی مجبور به ترک روستا و در واقع مرگ خاموش شده‌اند. گونه های مرتعی موجود در بخش کوهستانی منطقه عبارتند از گون، درمنه، آویشن و... و در دشت قیچ، اسکنبیل و ...هستند.

معرفی پروژه RFLDL

پروژه احیای اراضی جنگلی و تخریب یافته با تاکید ویژه بر اراضی حساس به فرسایش بادی و خاک‌های شور (RFLDL) اقدامی مشترک بین سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، تسهیلات جهانی زیست‌محیطی سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد می‌باشد، که در راستای توسعه و اجرای رویکردهای توسعه پایدار محیط زیست با رویکرد اجتماع محور در مناطق خشک و نیمه‌خشک کشور از طریق اجرای طرح‌های مدیریت پایدار یکپارچه و مشارکتی سرزمین و جنگل اجرا می‌گردد. مدت اجرای این پروژه ۵ سال (۱۳۹۵-۱۳۹۰) است. دست‌اندرکاران و ذینفعان اصلی این پروژه جوامع محلی و مردم ساکن در مناطق پایلوت پروژه می‌باشند که در اجرا و برنامه‌ریزی اقدامات یکپارچه مشارکتی مدیریت پایدار سرزمین و جنگل در سطح روستاها و حوزه‌های آبخیز به‌منظور پرداختن به چالش‌های تخریب سرزمین، جنگل‌زدایی و کاهش تنوع زیستی مشارکت می‌کنند. یکی از اقدامات اساسی در این پروژه ظرفیت‌سازی و نهادسازی گروهی در بین ذینفعان منابع طبیعی در روستاهای پایلوت بوده است در واقع مبنای پروژه RFLDL مدیریت اجتماع محور سرزمین است و راه‌اندازی کمیته‌های خرد توسعه در راستای بسیج جوامع محلی و توانمندسازی جامعه محلی از جمله اقدامات صورت گرفته در این پروژه است. در هر کمیته تعداد ۷-۱۳ نفر گروه‌های مختلفی را تشکیل می‌دهند (۲۰).

روش کار

در این مقاله روابط اعتماد و مشارکت، از مهم‌ترین ابعاد سرمایه اجتماعی، در شبکه بین کلیه ذینفعان منابع طبیعی که کمیته خرد توسعه روستای پایلوت عضویت دارند، مورد بررسی قرار گرفتند. این روابط در مراحل مختلف قبل و بعد از اجرای پروژه اجتماع محور RFLDL، جهت بررسی کارایی و اثر بخشی این پروژه در راستای افزایش سرمایه اجتماعی برون گروهی در روابط فی مابین سرگروه‌های کمیته خرد توسعه روستای رستم‌آباد علی چارک تحلیل و ارزیابی شده است. در ابتدا با استفاده از روش پیمایشی و مطالعه اسناد موجود (۲۰)؛ گروه‌ها در کمیته خرد توسعه روستای مورد نظر تعیین و سپس سرگروه ها در هر گروه شناسایی که شامل ۹ سرگروه می‌باشند و سپس پرسشنامه تحلیل شبکه‌ای تدوین و توسط افراد تکمیل گردید. جهت بررسی روابط برون گروهی و نیز سنجش میزان سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در روستای مورد نظر، میزان روابط اعتماد و مشارکت در بین سرگروه ها در یک شبکه مورد تحلیل قرار گرفتند. روش تحلیل شبکه‌ای مورد استفاده در این تحقیق روش شبکه کامل[1] است که کل اعضای شبکه را مورد بررسی قرار

[1]- Whole Network

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.4.3.6]

می‌دهد. در نهایت داده‌های جمع‌آوری شده در نرم‌افزار UCINET نسخه 6.507 مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت.

روش تحلیل شبکه

شبکه اجتماعی شامل کلیه ذینفعان و روابط بین آن‌ها می‌باشد. روش تحلیل شبکه اجتماعی با تحلیل الگوی ساختاری روابط فی مابین کنشگران، قادر است شبکه غیرقابل مشاهده ارتباطات میان ذینفعان را قابل مشاهده ساخته و به‌عنوان یک ابزار کارآمد در سنجش انسجام اجتماعی در شبکه مدیریت پایدار سرزمین با فراهم کردن ورودی‌های ارزشمند برای مدیران و سیاستگذاران، آن‌ها را در شناخت چالش‌های پیش روی عملیاتی نمودن مدیریت پایدار سرزمین و سیاست‌گذاری جهت بر طرف نمودن این چالش‌ها یاری نماید (۱۴، ۳۴ و ۳۵). در روش تحلیل شبکه از تئوری جبر ماتریس جهت انجام محاسبات ریاضی بهره گرفته می‌شود و به منظور انجام کلیه محاسبات ریاضی از نرم‌افزار UCINET نسخه 6.515 (۵) استفاده شده و با استفاده از ماتریس داده‌های جمع‌آوری شده، شاخص‌های مورد نظر محاسبه و مورد ارزیابی قرار گرفته است. ملاک تعیین معیارها و شاخص‌ها سند برنامه عمل پایش و ارزیابی شبکه‌های اجتماعی-سیاستی در توانمندسازی جوامع محلی و مدیریت جامع سرزمین است (۱۷). از جمله شاخص‌هایی که مطابق اهداف تعریف شده این تحقیق مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

جدول۱- شاخص‌های تحلیل شبکه ای در راستای سنجش اعتماد و مشارکت

شاخص	تعریف
تراکم[1] شبکه	این شاخص به صورت نسبت تعداد همه پیوندهای موجود به همه پیوندهای ممکن تعریف می شود (۲۴، ۲۱). این شاخص معرف میزان همبستگی شبکه است. تراکم شبکه محدوده ای بین صفر در صد و ۱۰۰درصد است (۱۴). تراکم بالا منجر به افزایش اعتماد و تسهیل در به اشتراک گذاری اطلاعات و منابع و همچنین افزایش مشارکت و همکاری بین ذینفعان خواهد شد، بنابراین میزان سرمایه اجتماعی و به دنبال آن انسجام اجتماعی افزایش یافته و فعالیت‌های مشارکتی تسهیل می‌یابد (۱۰، ۱۴، ۲۳، ۲۱، ۲۶).
دوسویگی[2] پیوندها در شبکه	به منظور میزان پایداری شبکه روابط و میزان متقابل بودن پیوندهای اعتماد و مشارکت از این شاخص استفاده می شود (۱۸). هرچه میزان این شاخص در شبکه روابط بیشتر باشد نشان دهنده بالا بودن میزان روابط متقابل سازنده بین افراد حاضر در شبکه می باشد و پایداری شبکه روابط را تضمین می نماید (۲۹).
انتقال یافتگی[3] پیوندها در شبکه	این شاخص از به اشتراک گذاری پیوندها بین سه فرد که یکی از آن ها به عنوان پل ارتباطی بین دو فرد دیگر می باشد، حاصل می شود (۱۰، ۱۴، ۱۸). هرچه تعداد افراد انتقال دهنده پیوندها بیشتر باشد، میزان این شاخص بالاتر است و در نتیجه پایداری و دوام روابط را در بین کنشگران به دنبال دارد (۱۸،۴).
میانگین فاصله ژئودزیک[4]	این شاخص نشان دهنده کوتاه ترین مسیر بین دو جفت کنشگر بر اساس پیوندهای اعتماد و مشارکت می باشد. هرچه میزان این شاخص بالاتر باشد سرعت گردش و پخش اعتماد و پیوندهای مشارکتی در بین افراد و میزان اتحاد و یگانگی در جامعه بیشتر خواهد بود. همچنین این شاخص در مدیریت بحران نیز بسیار کاربرد دارد (۱۸).

- میزان تراکم، انسجام و سرمایه اجتماعی در بین سرگروه‌های روستای رستم آباد علی چارک

با توجه به نتایج جدول (۲)، میزان شاخص تراکم در پیوند اعتماد در مرحله قبل از اجرای پروژه ۴۱/۷ درصد می‌باشد که این میزان در پایش دوم و در مرحله پس از اجرای پروژه به ۷۷/۸ درصد افزایش یافته است. همچنین میزان شاخص تراکم در پیوند مشارکت در شبکه سرگروه‌ها در مرحله پیش از اجرای پروژه برابر ۵۴/۲ درصد بوده که این میزان در پایش پس از اجرای پروژه به ۸۱/۹ درصد ارتقا یافته است. بر این اساس نتایج حاصله نشان از آن دارند که پروژه RFLDL قادر به ایجاد روندی مثبت و رو به رشد در شبکه‌های اعتماد و همکاری در شبکه سرگروه‌های روستای رستم آباد بوده است. به این ترتیب با افزایش میزان انسجام اجتماعی در میان سر گروه‌ها میزان سرمایه اجتماعی در روابط برون گروهی آن‌ها نیز افزایش یافته است. از این رو اجرای این پروژه در راستای تقویت سرمایه اجتماعی بر مبنای اعتماد و مشارکت مؤثر واقع‌شده است.

[1]- Density
[2]- Reciprocity
[3]- Transitivity
[4]- The Average of Geodesic Distance

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.4.3.6]

جدول۲- شاخص تراکم در بین سر گروه‌های روستای رستم آباد علی چارک

مرز اکولوژیک	پیوند	درصد تراکم در مرحله قبل از اجرای پروژه	درصد تراکم در مرحله بعد از اجرای پروژه
رستم آباد علی چارک	اعتماد	۴۱/۷	۷۷/۸
	مشارکت	۵۴/۲	۸۱/۹

- میزان دوسویگی و انتقال‌یافتگی پیوندها در بین سرگروه‌های روستای رستم آباد علی چارک

نتایج جدول (۳) میزان دوسویگی و انتقال‌یافتگی پیوندها را در بین سرگروه‌های موجود در روستای رستم آباد در مرحله قبل و بعد از اجرای پروژه نشان می‌دهد.

با توجه به این جدول اندازه شاخص دوسویگی در پیوند اعتماد در مرحله قبل از اجرای طرح میزان ۴۲/۸۶ درصد و بعد از اجرای آن میزان ۷۵ درصد می‌باشد. اندازه این شاخص در پیوند مشارکت در مرحله قبل از اجرای طرح میزان ۶۹/۵۷ درصد و بعد از اجرای آن میزان ۷۳/۵۳ درصد می‌باشد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد اندازه شاخص دوسویگی در پیوندهای اعتماد و مشارکت بعد از اجرای پروژه در بین سرگروه‌های روستای رستم آباد علی چارک نسبت به مرحله قبل از اجرای طرح افزایش‌یافته است که بیان می‌کند بعد از اجرای پروژه RFLDL میزان روابط دوسویه در پیوند های مختلف افزایش یافته به عبارتی میزان سرمایه اجتماعی برون گروهی طی دو مرحله پایش با افزایش مناسبی همراه بوده و لذا شبکه پایدارتری پس از اجرای پروژه شکل گرفته است که این مهم راهکار و زمینه مناسبی جهت دستیابی به توسعه پایدار می‌باشد.

جدول۳- اندازه شاخص دو سویگی و انتقال یافتگی پیوندها در بین سر گروه‌های روستای رستم آباد علی چارک

مرز اکولوژیک	نوع پیوند	مرحله قبل از اجرای پروژه		مرحله بعد از اجرای پروژه	
		دوسویگی(٪)	انتقال‌یافتگی (٪)	دوسویگی(٪)	انتقال‌یافتگی (٪)
رستم آباد علی چارک	اعتماد	۴۲/۸۶	۲۵/۹۸	۷۵/۰۰	۶۳/۱۵
	مشارکت	۶۹/۵۷	۳۷/۰۹	۷۳/۵۳	۶۰/۵۲

در ادامه همانگونه که اشاره گردید جدول (۳)، نتایج حاصل از اندازه‌گیری شاخص انتقال‌یافتگی را در بین سرگروه‌های روستای رستم آباد علی چارک نشان می‌دهد. اندازه این شاخص در پیوند اعتماد در مرحله قبل از اجرای طرح میزان ۲۵/۹۸ درصد و بعد از اجرای آن میزان ۶۳/۱۵ درصد می‌باشد. همچنین در پیوند مشارکت بین سرگروه‌ها نیز اندازه شاخص انتقال‌یافتگی در مرحله قبل از اجرای طرح میزان ۳۷/۰۹ درصد و بعد از اجرای آن میزان ۶۰/۵۲ درصد می‌باشد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد اندازه شاخص انتقال‌یافتگی در پیوندهای اعتماد و مشارکت در مرحله بعد از اجرای پروژه نسبت به قبل از اجرای آن افزایش‌یافته است. این نتیجه بیان می‌کند که بعد از اجرای طرح شبکه‌ای متعادل‌تر و پایدارتر در بین سرگروه‌های روستای رستم آباد شکل‌گرفته است و اجرای پروژه توانسته در ایجاد یک شبکه متعادل و پایدار در بین افراد مؤثر واقع گردد. در واقع می‌توان بیان نمود که اجرای پروژه توازن را در شبکه بین سرگروه‌های روستا افزایش داده و لذا می‌توان استدلال نمود تاب‌آوری شبکه در مقابل بحران‌های محیطی ارتقاء خواهد یافت.

- میانگین فاصله ژئودزیک در پیوند اعتماد و مشارکت در بین سرگروه‌های روستای رستم آباد علی چارک

نتایج حاصل از اندازه‌گیری شاخص فاصله ژئودزیک برای سرگروه‌ها در پیوند اعتماد و در مرحله قبل از اجرای طرح میزان ۱/۷۹و بعد از اجرای آن میزان ۱/۲۲ می‌باشد. اندازه این شاخص در پیوند مشارکت و در مرحله قبل از اجرای پروژه میزان ۱/۴۸و بعد از اجرای آن میزان ۱/۱۸ اندازه‌گیری شده است. این نتایج نیز بیانگر آن است که اجرای پروژه توانسته تأثیر مثبتی را در کاهش فاصله میان کنشگران داشته باشد و سرعت گردش مشارکت و اعتماد بین افراد نیز بعد از اجرای پروژه نسبت به قبل از اجرای پروژه افزایش‌یافته و اجرای طرح توانسته تأثیر مثبتی را بر روی افزایش فعالیت‌های جمعی افراد و اتحاد بین سرگروه‌ها در روستای رستم آباد بگذارد. همان‌طور که نتایج نشان

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.4.3.6]

می‌دهد، اجرای پروژه توانسته تأثیر مثبتی را در کاهش فاصله میان کنشگران داشته باشد. به این معنی که بعد از اجرای پروژه اتحاد و هماهنگی بین سرگروه‌ها افزایش‌یافته است و سرعت گردش مشارکت و اعتماد بین افراد نیز بعد از اجرای پروژه نسبت به قبل از اجرای پروژه افزایش‌یافته و اجرای طرح توانسته تأثیر مثبتی را بر روی افزایش فعالیت‌های جمعی افراد و اتحاد و یگانگی بین سرگروه‌ها و نتیجه افزایش سرمایه اجتماعی برون گروهی بگذارد.

جدول۴- میانگین فاصله ژئودزیک در بین سر گروه‌های روستای رستم آباد علی چارک

مرز اکولوژیک	پیوند	میانگین فاصله ژئودزیک در مرحله قبل از اجرای پروژه	میانگین فاصله ژئودزیک در مرحله بعد از اجرای پروژه
رستم آباد علی چارک	اعتماد	۱/۷۹	۱/۲۲
	مشارکت	۱/۴۸	۱/۱۸

بحث و نتیجه‌گیری

رویکرد اجتماع محور در کاهش فقر و افزایش ظرفیت‌ها، رویکردی است که ادبیات خاص خود را به همراه دارد. مدیریت اجتماع محور محلی بر ظرفیت‌سازی، نهادسازی و در واقع به نوعی مدیریت سرمایه اجتماعی در جوامع محلی تاکید دارد. مدیریت سرمایه اجتماعی یکی از ارکان اساسی در توانمندسازی اجتماعی جوامع محلی بوده که با تقویت این سرمایه در کنار سرمایه‌های طبیعی، مالی، فیزیکی- زیرساختی و انسانی، توسعه پایدار انسانی محقق می‌گردد. توانمندسازی از این رو اهمیت دارد که در ایجاد چرخه‌های پایدار تواناساز، موثر واقع شود. بر این اساس فرایند توانمندسازی محلی منجر به مشارکت آگاهانه و فعال مردم در اجتماع محلی می‌گردد. این فرآیند مانند بسیاری از فرآیندهای اجتماعی دیگر، فرآیندی است تدریجی و با تجربه های کوچک آغاز می‌شود. سرمایه اصلی در این تجربه‌های کوچک، اعتمادی است که در بین افراد بوجود خواهد آمد (۳۳، ۲۷ و ۱۶). با توجه به اهمیت حفاظت از منابع پایه، تدوین راهبردهای حفاظت و بهره‌برداری پایدار از این منابع، به‌عنوان ضرورتی بنیادی بیش از پیش احساس می‌گردد. مدیریت اجتماع محور در هر پروژه‌ای ضامن اجرا و پایداری آن پروژه است و این مسئله در حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد، زیرا در این شیوه از مدیریت همه فرایند مداخله پیشگیرانه (از تعیین مشکل تا اولویت‌بندی، طراحی، اجرا، ارزشیابی و اصلاح آن برای اجرای بعدی) را اعضای جامعه در کنار یک تسهیلگر کارشناس و با کمک منابع دولتی و غیردولتی موجود در اجتماع کوچک (انجمن‌های محلی) انجام می‌دهند. از این‌رو نظام مدیریتی مناسب برای حفاظت از این عرصه‌ها، بایستی بر مبنای مدیریت اجتماع محور و مشارکت جوامع محلی بنا نهاده شود. به بیانی دیگر راهبرد اصلی عملی کردن مدیریت پایدار سرزمین تأکید بر عواملی است که بیشتر جنبه مشارکتی با جوامع محلی دارند. به همین جهت اولین گام برای رسیدن به مدیریت پایدار سرزمین، بسیج جوامع محلی و جلب مشارکت مردمی در کلیه سطوح می‌باشد. مطمئناً بدون حضور و مشارکت جوامع محلی، کلیه اقدامات انجام‌شده درزمینهٔ حفظ و احیای منابع طبیعی بی‌اثر و بی‌نتیجه خواهد بود چراکه حیات و معیشت ذینفعان اصلی، که همانا مردم می‌باشند، وابسته به منابع طبیعی و محیط‌زیست می‌باشد. در سال‌های اخیر مشارکت ذینفعان یا دست اندرکاران در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات برای عرصه‌های طبیعی در قالب مدیریت اجتماع محور مورد بحث قرارگرفته است و به‌عنوان روشی برای ارتقای سرمایه اجتماعی مورد حمایت گسترده واقع شده است (۴، ۸، ۱۶ و ۳۳).

در این تحقیق پایش و ارزیابی سرمایه اجتماعی برون گروهی در راستای اجرای رویکرد اجتماع محور مدیریت سرزمین در بین بهره‌برداران مرتع (سرگروه‌ها یا رهبران کمیته خرد توسعه) روستای رستم‌آباد علی چارک از توابع شهرستان ریگان که تحت پوشش پروژه RFLDL می‌باشد از طریق بررسی و تحلیل دو پیوند اعتماد و مشارکت اجتماعی و سنجش شاخص‌های مختلف سطح کلان شبکه چون تراکم، دوسویگی و انتقال‌یافتگی پیوندها و میانگین

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.4.3.6]

فاصله ژئودزیک صورت گرفته است. بر اساس نتایج به‌دست آمده در این منطقه، میزان تراکم در پیوند اعتماد و مشارکت در این روستا یک چالش عمده در مدیریت مشارکتی محسوب می شود که پس از اجرای پروژه RFLDL میزان تراکم در بین افراد به میزان مطلوبی افزایش یافته است و افزایش میزان تراکم در بین افراد سبب توسعه اعتماد، مشارکت و سرمایه اجتماعی در سطح افراد شده است. طور کلی بالا بودن میزان اعتماد و مشارکت در بین بهره‌برداران باعث خواهد شد میزان تراکم و انسجام اجتماعی افزایش یافته و سرمایه اجتماعی شبکه ذینفعان محلی با سرعت بیشتری تحقق یابد. نتایج تحقیقات مختلف نیز موید این مطلب می‌باشد (۱۵، ۱۷، ۳۲، ۳۱، ۸ و ۳). میزان نهادینه شدن عرف‌ها و سنت‌های محلی و پایداری و تعادل شبکه بر اساس پیوند اعتماد و مشارکت متوسط ارزیابی می‌شود و نشان می‌دهد افراد دارای روابط نهادینه کمی بوده و شبکه‌ای متزلزل که دارای توازن و تعادل نامطلوب است را به وجود آورده‌اند. بنابراین نیاز به تقویت روابط دوسویه و متقابل جهت پایداری شبکه در راستای افزایش سرمایه اجتماعی است که پس از اجرای پروژه RFLDL این میزان به حد مطلوبی افزایش داده است. میانگین فاصله ژئودزیک در دو پیوند اعتماد و مشارکت به‌ترتیب ۱/۷۹ و ۱/۴۸ است که بیانگر سرعت نسبتا پایین گردش اعتماد و اتحاد و یگانگی و مشارکت افراد می‌باشد و پس از اجرای این پروژه این میزان کاهش یافته و به مقدار ۱/۲۲ و ۱/۱۸ برای دو پیوند اعتماد و مشارکت رسیده که نشانگر سرعت بالای گردش اعتماد و مشارکت در بین افراد می باشد. در واقع با توجه به اهمیت زمان و سرعت هماهنگ ساختن در بحث مدیریت مشارکتی، تقویت پیوند اعتماد و به ویژه مشارکت جهت افزایش سرعت گردش این پیوند در بین افراد و به دنبال آن کاهش زمان هماهنگی و اتحاد بین بهره‌برداران در راستای اجرای هرچه بهتر مدیریت اجتماع محور بسیار مهم است. نتایج سایر محققین نیز این ادعا را مورد تاکید قرار داده است (۳۲ و ۳۱).

با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در توانمندسازی و مدیریت مشارکتی ذینفعان منابع طبیعی، تقویت پیوندهای پلی یا برون گروهی در شبکه یک امر ضروری است. در حال حاضر می‌توان ادعا نمود این پروژه در روابط برون گروهی تا حدود زیادی موفق بوده است که مقایسه شرایط قبل و بعد از اجرای پروژه این ادعا را اثبات می‌نماید. سرمایه اجتماعی برون‌گروهی یا پل زن به گرد هم آوردن مردم از بخش‌های مختلف اجتماع تمایل دارد و فقدان پیوند های برون گروهی می تواند موجب شکل‌گیری انزوا و عدم شرکت در فعالیت‌های مشارکتی روستا گردد. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد پروژه مذکور توانسته به نسبت زیادی تعداد پیوندهای پلی یا برون‌گروهی و در نتیجه سرمایه اجتماعی برون‌گروهی را تقویت نماید که در قبل از اجرای پروژه در حد کمتری بوده است که این مهم نیز خود بر اجرای هرچه بهتر فرآیند مدیریت مشارکتی اجتماع محور سرزمین اثرگذار خواهد بود.

References

1. Alavi Tabar, A., 2000. Participation in the government of cities, examining patterns of citizen participation in urban governance (I), Municipalities Organization Publication.(In Persian).
2. Azkia, M., & G.H. Ghafari., 2013. Rural Development with an emphasis on rural society in Iran, Ney Publishing, Tehran. (In Persian).
3. Ballet, J., N. Sirven & M, Requiers-Desjardins, 2007. Social Capital and Natural Resource Management, The Journal of Environment & Development, 16(4): 355-374.
4. Bodin, O & C. Prell., 2011. Social network in natural resources management. Cambridge University Press.
5. Borgatti, S.P., M.G. Everett & L.C. Freeman, 2002. UCINET for Windows: Software for Social Network Analysis, Harvard, MA: Analytic Technologies.
6. Buckle, P., 2000. "New Approaches to Assessing Vulnerability and Resilience", Australian Journal of Emergency Management. Victoria: EmergencyManagementAustralia ,15(2):8-14.
7. Davenport, M. A., J.E. Leahy., D.H. Anderson & P.J. Jakes, 2007. Building trust in natural resource management within local communities: a case study of the Midewin National Tallgrass Prairie. Environmental Management, 39(3):353- 368.

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.4.3.6]

8. Davis, J., A. Kang & J. Vincent, 2001. How important is Improved Water Infrastructure to Microenterprises? Evidence from Uganda, Journal of World Developed, 29(10): 1753-1767.
9. Earle, T & G.T. Cvetkovich., 1995. Social Trust: Toward a Cosmopolitan Society, New York: Praeger, 240p.
10. Ebrahimi Azarkharan, F., M. Ghorbani., A. Salajegheh & M. Mohseni Saravi, 2014. Social Network Analysis of Local Stakeholders in Action Plan for Water Resources Co-Management (Case study: Jajrood River in Latian watershed, Darbandsar village). Iran- Watershed management science Engineering, 8(25): 47-56. (In Persian).
11. Vignola, R., T.L. McDaniels & R.W. Scholz, 2013. Governance structures for ecosystem-based adaptation: Using policy network analysis to identify key organizations for bridging information across scales and policy areas. Enviromental sciens & policy, 31:71-84.
12. Wasserman, S. & F. Faust., 1994. Social Network Analysis: Methods and applications, Cambridge, MA: Cambridge University Press. 358 p.
13. Ghafari, G.R. & M.B. Tajaldin., 2005. Identify the components of social exclusion. Journal of Social Welfare. (Number 17). (In Persian).
14. Ghorbani, M., 2012. The role of social networks in operation mechanisms of Rangeland (Case Study: Taleghan area), Ph.D. Dissertation, Department of Natural Resources, Tehran University, 430 p.
15. Ghorbani, M., H. Azarnivand., A.A. Mehrabi., S. Bastani., M. Jafari & H. Nayebi, 2013. A new approach in policy-making and planning collaboration management of natural resources. Journal of Range and Watershed, 65(4): 553-568. (In Persian).
16. Ghorbani, M., 2015. Iranian Pattern of Collaboration and Environment of Local Communities With the approach of Social Network, Department of Natural Resources, University of Tehran.
17. Ghorbani, M., 2014. The report of national project: Social network analysis; modeling, policy-making and implementation of natural resources co-management (Vol. 1), University of Tehran.
18. Hanneman, R.A. & M. Riddle., 2005. Introduction to social network methods, University of California Riverside, California.
19. Jatel, N., 2013. Using social network analysis to make invisible human actor water governance networks visible the case of the Okanagan vallay. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of master of arts in the college of graduate studies (Interdisciplinary Studies) the University of British Columbia.
20. Karegar, S., B. Nooshafarin., M. Yousefi & A. Habili, 2014. Forest and degraded land reclamation international project executive report (RFLDL), Chaharderakht publishing, Birjand. (In Persian).
21. Koutsou, S., M. Partalidou & A. Ragkos, 2014. Young farmers' social capital in Greece: Trust levels and collective actions. Journal of Rural Studies, 34: 204–211.
22. Leahy, E. & H. Anderson., 2008. Trust Factors in Community–water Resources Management AgencyRelationships. Journal of Landscape and Urban Planning, 87(2): 100–107.
23. Lienert, J., F. Schnetzer & K. Ingold, 2013. Stakeholder analysis combined with social network analysis provides fine-grained insights into water infrastructure planning processes. Journal of Environmental Management, 15(125): 134 -148.
24. Mirzaee, Kh., 2010. Introduction to Social Networks, Jame'e Shenasan publishing, Tehran. (In Persian).
25. Moosavi, M.T., 2014. Introduction to social participation, publications of Tehran, sociologists. 203P. (In Persian).
26. Newig, J., D. Günther & C. Pahl-Wostl, 2010. Synapses in the network: learning in governance networks in the context of environmental management, Ecology and Society, 15(4): 24-34.
27. Noorineshat, S., P. Pakzadmanesh., M. Almasi., S.A. Sajed & M. Aghasheikh Mohamad, 2014.Facilitation of the Poverty Reduction Processes: A Community-Based Approach, Barg-e Zeytun Publishing, Tehran, 160p.
28. Noll, H., 2004. Towards a European system of social indicators: theatrical framework and system architecture, social indicators research, (58):47-87.
29. Plickert, G., R.R. Cote & B. Wellman, 2007. It's not who you know, it's how you know them: Who exchanges what with whom? Social Networks, 29(3): 405-429.
30- Putnam, R. D., 2000. Bowling alone: The collapse and revival of American community. rJournal of Simon and Schuste, 544p.
31. Pourezat, A.A., A. Firoozpour. & A.A. Sadabadi, 2013. Study & Comparison of Community-based Approach to CrisisManagement in the Selected Countries. Journal of Management of Government Agencie, (2): 37-58. (In Persian).
29. Poormohamad, B & M.R. Hooshmand marvdasti., 2004. Earthquake crisis and its management, (68):11-19. (In Persian).
30. Rahimi Balkanlu, K., 2014. Feasibility assessment of the sustainability of land using social network analysis and performance analysis of landscape (Master's thesis). Department of Natural Resources, University of Tehran.

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.4.3.6]

31. Salari, F., 2014. Modeling and Analysis of watershed network in resin watershed in Kermanshah (Master's thesis). Department of Natural Resources, University of Tehran.
30. Shafi'i, M., M. Abdolhosseinin., A.S. Yari., A.S. Karegar & A.D. Pouyafar, 2013. Participatory management of natural resources and rural development planning, Shoara publications, Mashhad.
33. Tanhayi, A. & Z. Hazrati Somee., 2012. The theoretical study of social capital researches in iran. Journal of Behavioral Sciences. (Number 2). (In Persian).
34. Vignola, R., T.L. McDaniels & R.W. Scholz, 2013. Governance structures for ecosystem-based adaptation: Using policy network analysis to identify key organizations for bridging information across scales and policy areas. Enviromental sciens & Policy, 31:71-84.
35. Wasserman, S. & F. Faust., 1994. Social Network Analysis: Methods and applications, Cambridge, MA: Cambridge University Press. 358 p.

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1396.11.4.3.6]